

فوتبالفردوسی‌پور: به شاگردانم می‌گفتم در ایران بمانید، اما...

● عادل فردوسی‌پور پس از دریافت جایزه Alumni Achievement Award ۲۰۲۰، در مراسم آنلاین انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف (سوتا) گفت: خیلی خوشحال هستم و تشکر می‌کنم از تمام کسانی که افتخار دادند و من را انتخاب کردند. او ادامه داد: قبل از اینکه صحبت‌های خود را شروع کنم، جا دارد درگذشت استاد محمدرضا شجریان عزیز را تسلیت بگویم. می‌دانم الان همه ما به خاطر این اتفاق تلخ ناراحت هستیم ولی مهر و محبتی که مردم نثار استاد شجریان کردند، می‌کنند و خواهند کرد. ایشان با تمام محدودیت‌ها یک جایگاه مانا در قلب و دل تمام ایرانیان دارد. این استاد دانشگاه اضافه کرد: در روزهایی که اتفاقات خوبی برای من رخ نمی‌داد، دریافت جایزه از سوتا و دانشگاه صنعتی شریف من را خیلی خوشحال کرد و ارزشمند بود. فردوسی‌پور یادآور شد: همیشه سر کلاس‌هایم گفتم‌ام و بچه‌های صنایع می‌توانند شهادت بدهند که سعی کردم و تاکید داشتم که «آقایان و خانم‌ها» از ایران نروید و مملکت را ترک نکنید و اینجا مثل تمام عزیزانی که ماندند و موجب افتخار ما هستند، بمانید. تلاش کنید و بجنگید تا مملکت خودمان را بسازیم. همیشه این موضوع را گفتم‌ام. او یادآور شد: بهمین ۹۷ که ترم جدید دانشگاه شروع شد، این موضوع را مطرح کردم و به بچه‌ها گفتم اگر هم می‌روید، زود برگردید و ماندگار نشوید. اصلا چرا می‌روید؟ این مجری محبوب با اشاره به کنار گذاشته‌شدن و گرفتن برنامه ۹۰ از او، عنوان کرد: اسفند ۹۷ بدن هیچ توضیح و دلیل موجهی من را کنار گذاشتند. وقتی عبد شد و به اولین کلاس‌م در فروردین ۹۸ رفتم، بچه‌ها گفتند: «استاد! شما که می‌گفتید بمانید و مملکت را بسازید، شما بیش از ۲۰ سال ماندی و برنامه داشتی، چه اتفاقی افتاد و الان چه حرفی می‌زنی؟». واقعا در آن زمان هیچ جوابی برای بچه‌های کلاس‌م نداشتم. فردوسی‌پور تصریح کرد: امیدوار هستم بستری فراهم شود تا تمام کسانی که کشور و میهن خود را دوست دارند، بتوانند در حوزه و حرفه خود کار و فعالیت کنند. او عنوان کرد: از تمام کسانی که من را لایق این جایزه دانستند، تشکر می‌کنم؛ چراکه بسیار ارزشمند است. مایه مباهات من است و سعی می‌کنم تلاش کنم شایسته و لایق دریافت این جایزه باشم.

تیم فوتبال جوانان ایران محله‌ای که بروویا شده است

● به گزارش تسنیم، چندی پیش پرویز مظلومی با وجود انتقادات زیادی که وارد بود، هدایت تیم فوتبال جوانان ایران را بر عهده گرفت ولی هنوز نایبمه‌د با این تیم خداحافظی کرد و سرپرست استقلال شد. مظلومی دلیل جدایی از تیم جوانان را کمک به استقلال دانست و این تصمیم را به دورانی که منصور پورحیدری نیز از هدایت تیم ملی انصراف داد و به استقلال برگشت هم تشبیه کرد؛ زمانی که مرحوم پورحیدری تیم ملی ایران را قهرمان بازی‌های آسیایی کرد و با کاری نامده‌شده به تیم محبوبش استقلال بازگشت ولی مظلومی تنها با برگزاری چند جلسه تمرین تیم جوانان، به استقلال بازگشت. پیش‌تر نیز هدایت تیم جوانان بعد از مدت‌ها بلاتکلیفی به سیداکبر پورموسوی سپرده شده بود اما او نیز بعد از چند ماه فعالیت با پیشنهاداتی از میهن‌های لیگ‌بزرتری روبرو شد و ترجیح داد چمدانش را ببندد و پس از مدتی در مسابقات باشگاهی هدایت پارس جنوبی را بر عهده بگیرد. حقیقت این است که فرداسیون فوتبال آن‌طور که باید توجهی به تیم‌های پایه ندارد و قراردادهای عوامل در این تیم‌ها با اصلا نوشته نمی‌شود یا طوری تنظیم می‌شود که نمی‌توان روی ادامه آنها حساب باز کرد؛ به نوعی می‌توان گفت شاید فرداسیون چشم‌انداز خاصی برای تیم‌هایی به غیر از تیم ملی بزرگسال نداشته باشد که هر کدام از تیم‌ها طبق برنامه‌ای معین و با نفرتی ثابت کارشان را پیش ببرند. این موضوع را بارها در تیم‌های امید، جوانوان و تیم‌های فوتسال و بانوان فوتبال دیده‌ایم که عموماً هزینه‌ای برای آنها نمی‌شود و آنها همیشه از فرداسیون طلبکار هستند. بسیاری از افرادی که در این تیم‌ها هستند، مدت‌هاست که بدون پول کار می‌کنند و ربای دریافت نکرده‌اند (برخی از این نفرات یک سال و برخی دیگر یک سال‌ونیم است که پولی نگرفته‌اند). موضوع محمد خاکپور با تیم امید ایران را به یاد داریم که بدون قرارداد مدت‌ها کار کرد و در نهایت عدم حمایت لازم و دیگر مشکلات باعث شد این تیم هم راه به جایی نبرد. از این دست اتفاقات در فوتبال ایران به امری معمول تبدیل شده و باید از مسئولان فرداسیون فوتبال سؤال کرد که کمته‌های آموزش، فنی و جوانان در فرداسیون جهانی چه اهدافی را با چه برنامه‌هایی دنبال می‌کنند که یک تیم مهم پایه مثل تیم جوانان به این راحتی نمی‌تواند پاس‌کار می‌شود؟ آیا تیم ایران تغییراتی بیایی نیازکنان این رده را دل‌سرد و فوتبال ایران را متضرر نمی‌کند؟ فرداسیون فوتبال ایران بیش از هزار مربی در سطح آ آسیا دارد ولی آیا در بین این افراد هیچ گزینه مناسبی برای سیردن تیم جوانان حداقل برای یکی، دو سال نیست؟ کشورهای عربی و شرق آسیا سخت در حال کار و تدوین و اجرای برنامه برای رده‌های پایه هستند ولی در فوتبال ایران رده‌های برای بدون قرارداد، پول، بودجه، برنامه و ثبات فقط هستند که باشند! شاید بهتر است بگویم‌م که به‌جز تیم فوتبال بزرگسالان، سایر تیم‌های تحت نظارت فرداسیون از جمله تیم فوتبال جوانان ایران، «مظلومی» است که از یاد رفته و محله‌ای است که بروویا شده است.



داستان عجیب پفک آبی!

داستان ورود و خروج احمد سعادتمند به باشگاه استقلال به عنوان مدیرعامل، از آن دست اخباری است که به‌سختی فراموش می‌شود؛ مردی که روزگاری عنوان شده بود با حمایت مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش، بر صندلی مدیریت باشگاه آبی تهران تکیه زده، بعد از به‌وجودآوردن جنجال‌های ریزودرشت، با چراج سبز همان وزیر، از کار برکنار شد تا یکی از عجیب‌ترین اتفاقات مدیریتی در باشگاه استقلال رقم بخورد. سعادتمند که درست در ساعات پایانی دریافت حکم اخراجش هم تلاش می‌کرد واژه «استقلال کهکشانی» از زبانش نیفتد از سوی هیئت‌مدیره باشگاه به دلیل مرتکب‌شدن هشت اشتباه عجیب‌وغریب از کار برکنار شد. البته سعادتمند، روزی که امضای مدیرعاملی استقلال را پای نامه‌اش می‌دید هرگز تصور نمی‌کرد روز اخراجش، یکی از منفورترین مدیران باشگاه استقلال باشد؛ مدیری که نه‌تنها هواداران و سرمربی دل خوشی از آن نداشتند، بلکه رفقایش در هیئت‌مدیره نیز علیه او شدند تا با تلخی به کارش در باشگاه استقلال پایان دهد.

ورود بحث برانگیز به استقلال

همان‌قدر که رفتن سعادتمند از استقلال با حاشیه همراه شد، ورودش به این باشگاه هم بی‌سروصدا نبود. او پیش از آنکه مدیرعامل استقلال شود یکی از افراد نزدیک به وزارتخانه محسوب می‌شد و هر‌جا، هر فرداسیونی در ورزش نیاز به سرپرست و رئیس داشت، نام سعادتمند به میان می‌آمد. همان روزها عنوان شد که رکورددار سرپرستی در



فدراسیون‌های مختلف و البته نامزدشدن برای ریاست در فدراسیون‌هاست؛ از کاندیدشدن برای فدراسیون‌های تنیس روی میز، وزنه‌برداری، هندبال و اسکی گرفته تا حتی نجات‌غریق. عجیب اینکه او با وجود حمایت نسبی از سوی وزارت ورزش در هیچ‌کدام از فدراسیون‌های مربوطه نتوانسته بود رای بیابد و دستش از رسیدن به صندلی ریاست کوتاه مانده بود. البته سعادتمند پیش از مدیرعاملی در باشگاه استقلال یک تجربه کوتاه و تلخ در پست مدیرعاملی در یکی از باشگاه‌های ورزشی هم داشت، او چندصباحی به‌عنوان مدیرعامل تیم والیبال بانک سرمایه، تیمی که قهرمانی جام باشگاه‌های آسیا را در کارنامه داشت، فعالیت کرد، ولی شرایط را به‌گونه‌ای پیش برد که این تیم منحل شد! هرچند انحلال این باشگاه را مرتبط با مشکلاتی که آن روزها گریبان‌گیر این بانک خصوصی بود، دانستند. با همان رزومه و زمانی که حکم مدیرعاملی‌اش امضا شد، بسیاری نگران شرایط باشگاه استقلال شدند و می‌گفتند او آدمی نیست که بتواند استقلال را از ورطه‌ای که در آن گیر افتاده نجات دهد. البته که آن زمان، بیش از هر ورطه‌ای، نداشتن پول و نبود سازوکار درست مالی، این باشگاه را آزرده کرده بود. **وعده‌های پوپولیستی سعادتمند**

خودش می‌گوید از واژه پوپولیستی خوشش نمی‌آید و بهتر است منتقدانش از عبارت دیگری استفاده کنند ولی واقعیت امر این است که از روز نخست تا زمان اخراج، سعادتمند با وعده‌های پوپولیستی سعی در بالابردن وجهه‌اش بین هواداران را هم در سر می‌پوراند؛ او می‌خواست کاشی‌های

استقلال داشت. او آن‌قدر غرق در این وعده‌ها شد که هرگز به عواقبش فکر نکرد؛ شاید آن‌قدر وعده‌های جذابی داد که خودش هم رفته‌رفته باورش شد که می‌تواند آنها را عملی کند. قهرست وعده‌های عجیب‌وغریبی که سعادتمند به استقلال‌ها داده کم نیست؛ او با حضور در برنامه فوتبال برتر گفت کاری می‌کند باشگاه سالانه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد تومان درآمدزایی کند؛ «ما کفش آهنی پوشیدیم که کارکنیم و برای کاهش حواشی تلاش می‌کنیم، باید سالی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد از استقلال پول دربیايد». وعده جذاب‌تر سعادتمند اما دادن وام ازدواج به هواداران استقلال بود. او می‌گفت باشگاه به این بزرگی نباید از به‌هکاری بنالسد بلکه باید شرایط را برای تأمین نیازهای هوادارانش هم فراهم کند. «ما باکسی برای ایجاد خیریه برای باشگاه تعریف می‌کنیم، نه اینکه بگویم باشگاه بدهکار است... الان چشم یک هوادار ما تخلیه شده و جوانان برای ازدواج با تحصیل با مشکل مواجه هستند که باید به آنها کمک کنیم». جذاب‌ترین وعده او اما «پفک آبی» بود؛ او که عادت کرده بود با حضور در برنامه‌های تلویزیونی از وعده‌های دهن‌پرکن سخن بگوید، این‌بار به برنامه ورزش و مردم رفت و گفت قرار است به‌زودی پفک‌های آبی به بازار بیاید. «محصولات استقلال به‌زودی به بازار عرضه می‌شود و اگر به‌زودی پفک آبی دیدید تعجب نکنید»، مردی که عادت کرده بود همه‌چیز را در حرف بیان کند و پشتوانه‌ای برای عملی‌کردنش نداشت، طرح‌های جذاب دیگری را هم در سر می‌پوراند؛ او می‌خواست کاشی‌های

آبی‌ات کو؟

حرف‌های دوچرخه‌سوار مصدومی که روی باربند پاترول به بیمارستان رفت!

انتشار عکس‌هایی از مصدومیت شدیدی یک دوچرخه‌سوار در مسابقات، فدراسیون دوچرخه‌سواری را با چالش روبرو کرده است. ماجرا مربوط به آسیب‌دیدگی رکاب‌زن تیم هیئت دوچرخه‌سواری قزوین در لیگ کوهستان است. بهزاد مرادی دو، سه روز پیش این‌عکس‌ها را در صفحه شخصی‌اش منتشر کرد و به دلیل عجیب‌وغریب‌بودن روایتش از این حادثه بازتاب زیادی در رسانه‌های رسمی پیدا کرد. به گفته او، میزبانی ضعیف هیئت دوچرخه‌سواری تهران از این رقابت‌ها باعث شده تا او را با پای شکسته روی باربند یک پاترول ببندند و بعد به بیمارستان منتقل کنند. مرادی دراین‌باره به «شرق» می‌گوید:

عجیب‌وغریب‌بودن روایتش از این حادثه بازتاب زیادی در رسانه‌های رسمی پیدا کرد. به گفته او، میزبانی ضعیف هیئت دوچرخه‌سواری تهران از این رقابت‌ها باعث شده تا او را با پای شکسته روی باربند یک پاترول ببندند و بعد به بیمارستان منتقل کنند. مرادی دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «مسابقات دوشنبه هفته گذشته در پارک جنگلی لتمان‌کن» برگزار شد. من یک ساعت از قبل شروع مسابقات شرکت کند که در مرحله نام‌نویسی خوردم و پایم آسیب دید و نتوانستم از جایم زمین شوم. درحالی‌که طبق قوانین، باید آمبولانس در محل مسابقه حاضر باشد، اما هیچ آمبولانسی نبود که مرا به بیمارستان برساند. دوستانی که در کنارم بودند خودشان به اورژانس زنگ زدند که این هم در این یک‌ساعت‌ونیم می‌کند. موظف است که آمد گفت چون آن مسیر پستی و بلندی دارد ما نمی‌توانیم به آنجا بیاییم. آخر سر دوستانم چون دیدند چاره‌ای نیست با آتش‌نشانی تماس گرفتند که مأموران آتش‌نشانی هم سریع خودشان را رساندند، اما امکانات زیادی نداشتند و فقط برانکارد همراهشان بود. در نهایت من را روی همان برانکارد گذاشتند و یکی از نفرات دوروی خودش را که پاترول بود، آورد و من را روی باربند پاترول گذاشتند و به بیمارستان رسول اکرم انتقال دادند.»

این دوچرخه‌سوار با ناراحتی از رفتار مسئولان برگزاری لیگ کوهستان گفت: «فدراسیون از زمانی که ورزشکاران را پذیرش می‌کند، موظف است که همه‌جوره امکانات را برای آنها مهیا کند. ما روز یکشنبه پذیرش شدیم که متأسفانه در این روز هم یک اتفاق بد برای دو نفر از دوچرخه‌سواران دیگر افتاد که لگن و دستشان دچار شکستگی شد. آن موقع هم آمبولانسی نبود که آنها را به بیمارستان ببرد. من وقتی دچار این حادثه شدم هیچ‌کس از مسئولان بالای سرم نایمد که حتی حالم را بیرسد.

کمپ استقلال را دانه به دانه به هواداران باشگاه بفروشد تا آنها با پرداخت رقمی که کمک به باشگاه است، عکس و کدملی‌شان را روی آنها حک کنند. ساخت دو کمپ تمرینی مجهز در شمال و دیگری در همدان، علاوه بر کمپ باشگاه در تهران هم از دیگر وعده‌های جذاب مدیرعامل سابق باشگاه بود! البته سعادتمند از این هم گلیابه داشت که هواداران نباید تصور کنند که این بحث‌ها فضایی و خیالی است و در نظر دارد که حتما این امکانات را برای باشگاه استقلال ایجاد کند!

بیچاره استقلال

درآمد سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد تومان، دادن وام ازدواج به هواداران، ساختن استقلال کهکشانی، ساختن چندین کمپ مجهز در شهرهای دیگر، تولید پفک آبی و دیگر اقلام خوراکی و فروش باکس‌های هواداری، بخشی از وعده‌های سعادتمند بود. او اما با این همه وعده، یک جام که، نه، یک نفر را هم نتوانست در استقلال راضی نگه دارد. سعادتمند که از روز نخست با فرهاد معیدی، مربی وقت باشگاه، به لُج‌ولج‌بازی پرداخت، سرانجام در حساس‌ترین موقع فصل پشت او را خالی کرد و با سفر به ایتالیا، در اندیشه بازگرداندن آندره‌آ استراماچونی بود. او جام حذفی را از هواداران استقلال با همین اقدامش گرفت ولی سرانجام با بازی‌دادن همین هواداران، هرگز نشانی ملموس از اینکه قرار است استراماچونی را به تیم بازگرداند، بروز نداد. اگرچه او چندین برگه کاغذ را به نشانه مذاکرات با استراماچونی رو کرد ولی استوری استراماچونی در اینستاگرام همه چیز را عیان کرد؛ او تمامی صحبت‌های سعادتمند درباره مذاکره با خودش را واهسی و خیالی توصیف کرد تا مشخص شود سعادتمند هرگز راه رسیدن به سعادت در استقلال را درست طی نکرده است. مردی که می‌خواست سالی ۲۰۰ میلیارد تومان درآمدزایی کند، به نقل از اعضای هیئت‌مدیره فقط خرج تراشید و به بدهی‌ها افزود. او که می‌گفت استقلال نباید از بدهکاری بنالد، از تهیه رقم نزدیک به ۱۶ میلیارد تومان بدهی وینفرد شفر، سرمربی سابق استقلال هم عاجز ماند تا پنجره نقل‌وانتقالاتی باشگاه بسته شود و این تیم باز هم نتواند به‌موقع از خریدهای تازه‌اش که آنها هم به‌صورت عجیب‌وغریب و در هتلی محلی(۱) جذب باشگاه شده‌اند، استفاده کند. سعادتمند درست در ثانیه‌هایی که آخرین وعده‌های پوپولیستی‌اش را می‌داد و می‌گفت می‌خواهد الکس نوری را به استقلال بیآورد، از کار برکنار شد؛ حالا پیش‌گوتان استقلال هستند که به‌درستی یادآوری می‌کنند: آقای سعادتمند، پفک

آین مربی سنگ‌نوردی افزود: اول از همه باید بگویم که در هیچ دوره‌ای با این سطح بالا تست گرفته نشده بود. همچنین اگر قرار است تست‌های درجه بالا گرفته شود، چرا نقطه بکاپ برای ورزشکار قرار نمی‌دهید؟

او در پاسخ به اینکه آیا تیم امداد و نجات به‌موقع در محل حاضر شدند؟ پاسخ داد: خوشبختانه بله، خیلی سریع این اتفاق افتاد. اول اورژانس حضور پیدا کرد و بعد از ۱۰ دقیقه هلال‌احمر در محل حاضر شد. البته یکی از اشخاصی که در این دوره شرکت کرده بود، پرستار بود و کمک‌های لازم را انجام داد. شاهرمادی به عنوان یک مربی، درخصوص علت این حادثه گفت: اولین موضوع به اعتقاد من نداشتن روند آموزشی و اجرایی مشخص برای هر دوره فدراسیونی است. این به آن معنی بوده که هر سرپرست دوره، برای خودش می‌تواند هر آیینی را اضافه یا حذف کند. همچنین سطح تست دوره نسبت به دوره‌های سال‌های گذشته بدون هماهنگی و اطلاع‌رسانی قبلی دو برابر شده بود. سال پیش با درجه سختی ۵.1lb بود اما امسال با درجه سختی ۵.1۲a، c، البته باید در نظر داشت به دلیل شیوع کرونا تمرینات ما کم شده بود.

این مربی سنگ‌نوردی درخصوص جمع‌آوری استشهادهای این حادثه می‌شود: هنگامی که کل دبواره تخلیه شد و نفرات پایین‌این همه خداحافظی کردیم، یکی در گروه واتس‌اپی اعلام کرد که مدرسان می‌گویند پایین جاده چالوس منظر شما هستنیم. وقتی رسیدیم اعلام کردند ما گزارش برنامه را نوشته‌ایم که باید شما آن را امضا کنید. بعد از خواندن متوجه شدم که این گزارش خود مرتضی نادی مقصر اعلام شده و همه چیز آیا از کدام شده است. به عنوان مثال آورده بودند که او بی‌دقتی کرده و حرف مربی را هم گوش نداده است. حتی نوشته بودند مسیر درجه صعود ۵.۱۱a بوده و مربی گفته که می‌توانید بکاپ بگیرید!

او ادامه داد: با جرحوبیتی که من کردم این دو مورد اشتباه اصلاح شد. اما باز گفتم مامیت این کار درست نیست و امضا نمی‌کنم.

او در پاسخ به خبرنگار ایسا، درباره پست مشترک مربیان فدراسیون درخصوص عدم فعالیت و شرکت در کلاس‌ها تا مشخص‌شدن ابعاد این موضوع، گفت: بله تعداد زیادی از مدرسان بنام اعلام کردند که تا مشخص‌شدن ابعاد این موضوع و پیگیری فدراسیون که‌نوردی کلاسی اجرا نمی‌کنیم.

او درباره ضرورت اجرای دوره با توجه به شیوع کرونا بیان کرد: به نظرم برگزاری این دوره اصلا ضروری نبود و می‌توانست برگزار نشود. متأسفانه دوره دو بار کنسل شد. قرار بود این دوره در قزوین برگزار شود، اما به دلیل قرمز‌بودن وضعیت قزوین برگزار نشد. روز قبل این دوره به همه گفته شد که محل جدید آزمون پل خواب بوده و هوای قزوین خوب نیست؛ بعد از چ‌کردن هوای پل خواب متوجه شدیم که هوا برای سنگ‌نوردی مناسب نیست و این موضوع را در گروه گفتیم، اما باز هم اصرار کردند که در این دوره حضور پیدا کنیم.

روایت شاهد عینی از سقوط مرگ‌بار مربی سنگ‌نوردی

● به گزارش ایسنا، سه‌شنبه ۱۵ مهر، در منطقه پلخواب استان البرز آزمون ورودی مربیگری درجه ۲ سنگ‌نوردی طبیعت زیر نظر فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی برگزار شد. در این آزمون چهار خادم و ۲۸ اقا حضور داشتند که در یکی از آیتیم‌های صعود در این آزمون که به مسیر «دوست دارم» معروف بود و باید به روش ایزارگذاری انجام می‌شد، یکی از مربیان در طول مسیر دچار حادثه شد و سقوط کرد. متأسفانه مرتضی نادی از مربیان خوب سنگ‌نوردی ایران در این حادثه جان خود را از دست داد. محمد شاهرمادی که چندین سال در رشته سنگ‌نوردی فعالیت حرفه‌ای دارد یکی از شاهدان عینی این حادثه بوده است. شاهرمادی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره این حادثه غم‌انگیز گفت: ساعت ثبت‌نام هفت صبح بود اما با تأخیر استادان ساعت ۸:۴۵ فرم‌ها را به مربیان تحویل دادند. مسئولان برگزاری این دوره در ابتدای صبح‌ها اعلام کردند که حق اعتراض به نتیجه‌ها را ندارید. همچنین بعد از آن به اعلام مسیری‌ها پرداخته و قول دادند که سمت دیواره حرکت کردیم. اینجا‌بن بخشه‌ای همه مدرسان پرسیدم که آیا می‌شود برای مسیر‌ها بکاپ گرفت؟ آنها جواب دادند که این امر امکان‌پذیر نیست، حتی یکی از مدرسان به شوخی گفت برای هر بکاپ ۱۰ نمره از ۲۰ نمره کم می‌کنیم. متأسفانه به علت وقت کم مجبور شدم با مسیر یاد یاران شروع کنم؛ زیرا همه کارگاه‌ها شلوع بود و این مسیر را سرپرست به من اعلام کرد. من کوله‌ام زیر مسیر شیرین بود. بعد از صعود به سمت کوه آمدم تا برای مسیر بعدی آماده شوم. صعود مرحوم مرتضی نادی را روی مسیر دوست دارم، تماشا کردم. محل قرارگیری ابزار اول و دوم خوب بود. نادی در حالی که داشت ابزار سوم را کار می‌گذاشت روی طنابچه رفت، روی نوک با ایستاد و در بالاترین نقطه ابزار سوم را کار گذاشت. محلی که نادی ابزار را قرار داد به دلیل وجود پودر از گذشته، نمناک و به خاطر وجود فضولات پرند‌ها بسیار لیز بود. او نرسیده به سقف بود که ابزار را گذاشت، طناب را کشید که متأسفانه موفق نشد. فاصله هر سه میانی آخر زیاد بود و طناب هم کشیده بود. باهای نادی ریب زد و در سقوط پاهایش پشت طناب قرار گرفت و از پشت سر به زمین خورد.

این مربی سنگ‌نوردی افزود: اول از همه باید بگویم که در هیچ دوره‌ای با این سطح بالا تست گرفته نشده بود. همچنین اگر قرار است تست‌های درجه بالا گرفته شود، چرا نقطه بکاپ برای ورزشکار قرار نمی‌دهید؟

او در پاسخ به اینکه آیا تیم امداد و نجات به‌موقع در محل حاضر شدند؟ پاسخ داد: خوشبختانه بله، خیلی سریع این اتفاق افتاد. اول اورژانس حضور پیدا کرد و بعد از ۱۰ دقیقه هلال‌احمر در محل حاضر شد. البته یکی از اشخاصی که در این دوره شرکت کرده بود، پرستار بود و کمک‌های لازم را انجام داد. شاهرمادی به عنوان یک مربی، درخصوص علت این حادثه گفت: اولین موضوع به اعتقاد من نداشتن روند آموزشی و اجرایی مشخص برای هر دوره فدراسیونی است. این به آن معنی بوده که هر سرپرست دوره، برای خودش می‌تواند هر آیینی را اضافه یا حذف کند. همچنین سطح تست دوره نسبت به دوره‌های سال‌های گذشته بدون هماهنگی و اطلاع‌رسانی قبلی دو برابر شده بود. سال پیش با درجه سختی ۵.1lb بود اما امسال با درجه سختی ۵.۱۲a، c، البته باید در نظر داشت به دلیل شیوع کرونا تمرینات ما کم شده بود.

این مربی سنگ‌نوردی درخصوص جمع‌آوری استشهادهای این حادثه می‌شود: هنگامی که کل دبواره تخلیه شد و نفرات پایین‌این همه خداحافظی کردیم، یکی در گروه واتس‌اپی اعلام کرد که مدرسان می‌گویند پایین جاده چالوس منظر شما هستنیم. وقتی رسیدیم اعلام کردند ما گزارش برنامه را نوشته‌ایم که باید شما آن را امضا کنید. بعد از خواندن متوجه شدم که این گزارش خود مرتضی نادی مقصر اعلام شده و همه چیز آیا از کدام شده است. به عنوان مثال آورده بودند که او بی‌دقتی کرده و حرف مربی را هم گوش نداده است. حتی نوشته بودند مسیر درجه صعود ۵.۱۱a بوده و مربی گفته که می‌توانید بکاپ بگیرید!

او ادامه داد: با جرحوبیتی که من کردم این دو مورد اشتباه اصلاح شد. اما باز گفتم مامیت این کار درست نیست و امضا نمی‌کنم.

او در پاسخ به خبرنگار ایسا، درباره پست مشترک مربیان فدراسیون درخصوص عدم فعالیت و شرکت در کلاس‌ها تا مشخص‌شدن ابعاد این موضوع، گفت: بله تعداد زیادی از مدرسان بنام اعلام کردند که تا مشخص‌شدن ابعاد این موضوع و پیگیری فدراسیون که‌نوردی کلاسی اجرا نمی‌کنیم.

او درباره ضرورت اجرای دوره با توجه به شیوع کرونا بیان کرد: به نظرم برگزاری این دوره اصلا ضروری نبود و می‌توانست برگزار نشود. متأسفانه دوره دو بار کنسل شد. قرار بود این دوره در قزوین برگزار شود، اما به دلیل قرمز‌بودن وضعیت قزوین برگزار نشد. روز قبل این دوره به همه گفته شد که محل جدید آزمون پل خواب بوده و هوای قزوین خوب نیست؛ بعد از چ‌کردن هوای پل خواب متوجه شدیم که هوا برای سنگ‌نوردی مناسب نیست و این موضوع را در گروه گفتیم، اما باز هم اصرار کردند که در این دوره حضور پیدا کنیم.